

اخبار

تقدیم به مادرم

-
- سرشناسه: دوباتن، آلن، ۱۹۶۹ - م.
عنوان و نام پدیدآور: اخبار: راهنمای کاربر/آلن دوباتن؛ ترجمهٔ مریم تقدیسی.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۲۵۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۴۸۴-۱
- وضعیت فهرست‌نویسی: فپیا
یادداشت: عنوان اصلی: The news: a user's manual.
یادداشت: نمایه.
- موضوع: روزنامه‌نگاری — جنبه‌های اجتماعی
Journalism -- Social aspects: موضوع
- موضوع: روزنامه‌نگاری — جنبه‌های سیاسی
Journalism -- Political aspects: موضوع
- موضوع: رسانه‌های گروهی — جنبه‌های سیاسی
Mass media -- Political aspects: موضوع
- موضوع: رسانه‌های گروهی — جنبه‌های اجتماعی
Mass media -- Social aspects: موضوع
- موضوع: مخاطبان اخبار
News audiences: موضوع
- شناسهٔ افزوده: تقدیسی، مریم، ۱۳۴۲ -، مترجم
رده‌بندی کنگره: PN ۴۷۴۹
رده‌بندی دیویی: ۳۰۲/۲۳
شمارهٔ کتاب‌شناسی ملی: ۵۷۱۶۲۳۱
-

اخبار

راهنمای کاربر

آلن دوباتن
ترجمهٔ مریم تقدیسی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

The News
A User's Manual
Alain de Botton
Penguin Books, 2014



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارم‌ری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات قنوس

آلن دوپاتن

اخبار

راهنمای کاربر

ترجمهٔ مریم تقدیسی

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۹۸

چاپ رسام

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۱ - ۴۸۴ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISSN: 978-600-278-484-1

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۳۲۰۰۰ تومان

فهرست

بخش اول: مقدمه

بخش دوم: سیاست

۱. کسالت و سردرگمی ۱۹
۲. امیدی اندک ۳۳
۳. ترس و خشم ۴۷
۴. بدها و بدی ۵۷
۵. عقاید اکتسابی ۶۵

بخش سوم: اخبار جهان

۱. اطلاعات/تخیل ۷۷
۲. جزئیات ۹۱
۳. عکاسی ۱۰۹

بخش چهارم: اقتصاد

۱. نقدینگی و آرمان شهر ۱۲۵
۲. اخبار سرمایه‌گذاری ۱۳۹

بخش پنجم: شخصیت‌های سرشناس

۱. تحسین ۱۵۳
۲. حسد ۱۶۵

- ۱۷۳ ۳. اراده معطوف به شهرت
- ۱۷۹ ۴. صدمات شهرت

بخش ششم: فاجعه

- ۱۸۷ ۱. تراژدی
- ۲۰۱ ۲. تصادف
- ۲۰۹ ۳. طبیعت
- ۲۱۷ ۴. اخبار سلامتی

بخش هفتم: مصرف

- ۲۲۳ ۱. غذا خوردن، سفر، فناوری
- ۲۳۱ ۲. فرهنگ

بخش هشتم: نتیجه گیری

- ۲۳۹ ۱. شخصی سازی
- ۲۴۷ ۲. اخبار داخلی
- ۲۵۳ نمایه

بخش اول

مقدمه

۱

هیچ دستورالعمل و آدابی ندارد، چون قرار است عادی‌ترین، آسان‌ترین، بدیهی‌ترین و معمولی‌ترین کار دنیا باشد، درست مانند نفس کشیدن یا پلک زدن.

بعد از وقفه‌ای کوتاه، که مدت آن معمولاً از یک شب بیشتر نمی‌شود (و اغلب بسیار کمتر از این است؛ اوقاتی که به شدت احساس بی‌قراری می‌کنیم، شاید فقط ده یا پانزده دقیقه)، هر کاری که داریم کنار می‌گذاریم تا به اخبار گوش کنیم. کارهایمان را موقتاً به تعویق می‌اندازیم تا بار دیگر اطلاعات مهمی دریافت کنیم درباره‌ی دستاوردهای بزرگ، فجایع، جنایت‌ها، اپیدمی‌ها، و روابط عاطفی پرتنشی که از آخرین باری که اخبار را گوش کرده‌ایم برای نوع بشر در سراسر کره‌ی زمین اتفاق افتاده است. آنچه در ادامه می‌آید تلاشی است برای آن‌که این عادت فراگیر و آشنا از آنچه هم‌اکنون هست عجیب و غریب‌تر و حتی خطرناک‌تر به نظر برسد.

۲

اخبار معمولاً غیرعادی‌ترین و مهم‌ترین وقایع جهان را در اختیار ما قرار می‌دهد: در منطقه‌ای استوایی برف باریده است؛ فلان رئیس‌جمهور فرزندی نامشروع دارد؛ و دوقلوهای به هم چسبیده در فلان جا متولد شده‌اند. ولی با وجود عزمِ راسخ اخبار در پیگیری وقایع غیرعادی، تنها کاری که ماهرانه از آن اجتناب می‌کند باز کردن چشم مخاطبانش به روی واقعیتِ خودِ اخبار و تسلط شدیدش بر زندگی آن‌هاست. «هر روز نیمی از افراد بشر مفتون اخبار می‌شوند»، این تیتیری است که هرگز آن را از سازمان‌هایی نمی‌شنویم که معمولاً به خبرهای مربوط به افراد سرشناس و برجسته‌ی جامعه و فسادها و اتفاقات حیرت‌آور می‌پردازند.

به اعتقاد هگل جوامع زمانی مدرن شدند که اخبار، به عنوان منبع اصلی ارشاد و معیار اقتدار، جانشین دین شد. امروزه اخبار در جوامع پیشرفته جایگاه قدرتمندی حداقل معادل با جایگاه اعتقادات مذهبی پیدا کرده است. گزارش‌های خبری با دقتی غیرعادی ساعات مهم زندگی مردم را پُر می‌کنند: عبادت صبحگاهی به خبر صبحگاهی تغییر ماهیت داده است، و عبادات شامگاهی به اخبار شبانگاهی. ولی اخبار فقط جدول زمانبندی شبه‌دینی را دنبال نمی‌کند. بلکه از ما می‌خواهد همان احترامی را برایش قایل باشیم که زمانی برای اعتقاداتمان قایل بودیم. در اخبار هم باید امیدوار به دریافت وحی، تشخیص خوب از بد، درک رنج و دردهای بشری، و شناخت منطق آشکارشونده هستی باشیم. و در این جا هم اگر از شرکت در مناسک سر باز بزنیم به بدعت‌گذاری متهم می‌شویم.

اخبار می‌داند چطور مکانیسمش را از نظرها پنهان کند و چون و چرا کردن درباره‌اش را دشوار سازد. اخبار به زبانی بدون لهجه و طبیعی، و بدون ارجاع به دیدگاه مملو از فرضیات خود، با ما سخن می‌گوید. اخبار آشکار نمی‌کند که صرفاً امور جهان ما را گزارش نمی‌کند، بلکه بی‌وقفه در حال خلق سیاره‌ای جدید در ذهن ماست، جهانی که با اولویت‌های کاملاً متمایز اخبار همسوست.

۳

از سنین کم به ما یاد می‌دهند قدرت تصاویر و کلمات را درک کنیم. ما را به موزه می‌برند و با لحنی جدی به ما یاد می‌دهند که برخی از نقاشی‌های هنرمندانی که مدت‌هاست از دنیا رفته‌اند می‌توانند دیدگاه‌های ما را متحول کنند. ما را با اشعار و داستان‌هایی آشنا می‌کنند که قادرند زندگی مان را تغییر دهند.

ولی به ندرت چیزی درباره کلمات و تصاویری به ما می آموزند که در هر ساعت از روز از طریق اخبار به ما القا می شوند. از نظر ما، سر درآوردن از پیرنگ داستانی اتللو مهم تر از توانایی رمزگشایی از صفحه اول روزنامه نیویورک پست است. بیشتر درباره اهمیت استفاده از رنگ در آثار هانری ماتیس^۱ می شنویم تا تأثیرات بخش عکس شخصیت های سرشناس در دیلی میل^۲. هرگز از ما نمی خواهند فکر کنیم که بعد از غوطه ور شدن در مجله بیلد^۳ یا اوکی!^۴ فرانکفورتر آگماینه تسایتونگ^۵ یا هوکایدو شیمبون^۶، تهران تایمز یا سان^۷ در دیدگاهمان چه تغییری رخ می دهد. ما هرگز به شکلی سازمان یافته از قابلیت تأثیرگذاری خارق العاده گزارش های خبری در درکمان از واقعیت و نفوذ در روحمان مطلع نمی شویم — البته روح در این جا دلالتی ماوراءالطبیعی ندارد.

جوامع مدرن با وجود آن که همواره از تحصیل و آموزش دم می زنند، تأثیرگذارترین ابزار آموزش مردم را نادیده می گیرند. هرچه در کلاس های درس می آموزیم به پای آموزش از طریق امواج رادیویی و صفحه نمایش ها نمی رسد. هجده سال اول زندگی را در کلاس های درس می گذرانیم، ولی باقیمانده زندگی را تحت تأثیر اخباری سپری می کنیم که از هر کلاس درسی بیشتر در ما تأثیر می گذارند. بعد از به پایان رسیدن تحصیلات رسمی، اخبار معلممان می شود. اخبار قدرتمندترین نیروی تعیین حال و هوای زندگی اجتماعی و شکل دادن به تصورات ما از جامعه بیرون از دیوارهای خانه است. اخبار خالق اصلی واقعیت سیاسی و اجتماعی است. همان طور که افراد انقلابی به خوبی می دانند، اگر می خواهید طرز فکر مردم کشوری را تغییر دهید

1. Henri Matisse

2. Daily Mail

3. Bild

4. OK!

5. Frankfurter Allgemeine Zeitung

6. Hokkaido Shimbun

7. Sun

لازم نیست به سمت گالری‌های هنری، مراکز آموزش و پرورش یا خانه‌نویسندگان مشهور بروید، کافی است مستقیم مرکز اعصاب بدنه سیاسی، یعنی ستاد فرماندهی اخبار، را هدف قرار دهید.

۴

چرا ما مخاطبان دست از مراجعه به اخبار بر نمی‌داریم؟ دلیل عمده آن ترس است. معمولاً بعد از مدت کوتاهی دور ماندن از اخبار دچار ترس و وحشت می‌شویم. چون می‌دانیم همه‌چیز ممکن است به سرعت خراب شود: ممکن است مخزن سوخت هواپیمای ایرباس ۳۸۰ نشت کند و آتش بگیرد، ممکن است ویروس یک خفاش آفریقایی از گونه‌ای به گونه‌ی دیگر سرایت کند و از طریق هواکش یک قطار شلوغ ژاپنی در میان مردم پخش شود، ممکن است سرمایه‌گذاران برای خرید ارز هجوم ببرند و پدري به‌ظاهر عادی در جای دیگر وحشیانه به زندگی دو فرزند زیبا و نوپای خود پایان دهد.

شاید در کشوری باشیم که مردمش در صلح و ثبات زندگی می‌کنند. نسیمی در باغ شاخه‌های درخت آلو را تاب می‌دهد و گرد و خاک به تدریج قفسه‌های کتابخانه‌ی اتاق نشیمن را می‌پوشاند. ولی می‌دانیم چنین آرامشی عدالت را در این زندگی آشوب‌زده و اساس بی‌رحم آن برقرار نمی‌سازد، و از این رو بعد از مدتی طبق عادت دوباره احساس نگرانی می‌کنیم. آگاهی ناخودآگاه ما از احتمال وقوع فاجعه ضربان ناملموس ترس در وجود ما را توجیه می‌کند، ترسی که موجب می‌شود تلفن را در دسترس قرار دهیم و منتظر شنیدن عناوین خبری بمانیم. این ترس نوع دیگری از همان ترسی است که اجداد دورمان در لحظات سرد قبل از طلوع حس می‌کرده‌اند چون نمی‌دانسته‌اند خورشید بار دیگر راه خود را در گنبد مینا خواهد یافت یا نه.

با این حال، نوع خاصی از لذت هم در این جا مطرح است. اخبار، هر قدر هم وحشتناک، و شاید به خصوص در بدترین حالت خود، می تواند تسکینی باشد برای عذاب تنهایی، تخفیفی باشد برای بار سنگین تلاش بی وقفه برای برقراری عدالت به سهم خودمان و تقلا برای متقاعد ساختن معدود افرادِ مدار محدود زندگی مان برای جدی گرفتن عقاید و نیازهایمان. شنیدن اخبار شبیه گرفتن صدفی نزدیک گوش و نیرو گرفتن از خروش بشریت است. اخبار می تواند گریزی باشد از مشغله های ذهنی مربوط به مسائل زندگی خصوصی مان و توجه به مسائل بزرگ تر و حادث تر، و پنهان کردن ترس ها و تردیدهای شخصی در این دغدغه های بزرگ تر. قحطی، سیل، قاتلی زنجیره ای که دستگیر نشده، استعفای دولت، پیش بینی اقتصاددانی درباره میزان فقر در سال آینده؛ چنین آشوبی خارج از حیطه زندگی شخصی شاید دقیقاً همان چیزی است که برای رسیدن به آرامش درون به آن نیاز داریم.

اخبار امروز از مردی خبر می دهد که، بعد از شب زنده داری و هرزه نگاری های اینترنتی، پشت فرمان ماشین خوابش برده، از پل روگذر سقوط کرده و خانواده ای پنج نفره را در کاراوانی زیر پل کشته است. در خبر دیگری می شنویم که دانشجویی زیبا و آینده دار که بعد از یک مهمانی گم شده بود، پنج روز بعد قطعه قطعه شده در صندوق عقب یک تاکسی پیدا شده است. در سومی درباره جزئیات رابطه مربی تنیس با شاگرد سیزده ساله اش می شنویم. چنین رخدادهایی که جنون آمیز بودندشان بدیهی به نظر می رسد، در ما احساس عقلانیت و آرامشی ناشی از مقایسه ایجاد می کنند. می توانیم از آن ها روی گردانیم و احساس جدیدی از آرامش ناشی از روال قابل پیش بینی زندگی مان را حس کنیم، آرامشی ناشی از مهار غیرعادی ترین تمایلات در خود و خودداری از مسموم کردن یکی از همکاران یا دفن کردن یکی از اقوام در حیاط خانه مان.

اخبار به مرور زمان چه بر سرمان می‌آورد؟ در مجموع از ماه‌ها و حتی سال‌هایی که با آن‌ها سر می‌کنیم چه باقی می‌ماند؟ آن‌همه هیجان و ترس دربارهٔ کودک گمشده، کسری بودجه و فرمانده خیانتکار به کجا منتهی می‌شود؟ آیا نتیجه‌گیری از خبرهای جدید در مورد مثلاً رشد چین، فساد در آفریقای مرکزی، یا لزوم ایجاد اصلاحات در سیستم آموزشی، جز به جا گذاشتن رسوبی مبهم و یأس آور در ذهن، تأثیری در افزایش دانایی‌مان خواهد داشت؟

این نشانهٔ زودباوری ذهنی‌مان است که معمولاً بر چنین سؤالاتی پافشاری نمی‌کنیم. تصورمان این است که با گوش ندادن به برنامه‌های خبری کار نادرستی از ما سر زده است. ترک عادت‌هایی که در سال‌های نوجوانی در ما شکل گرفته سخت است، عادت‌هایی که در همان زمانی شکل گرفته که در جلسات مدرسه دست به سینه می‌نشستیم و مؤدبانه به سخنان ظاهراً مهم مسئولان مدرسه گوش می‌کردیم.

منظور از این سؤالات تردید در اهمیت اخبار نیست، بلکه نشان دادن مزایای برخورد آگاهانه با آن است. این کتاب گزارشی است از مجموعه‌ای از برخوردها با اخبار، یا به تعبیری پدیدارشناسی مجموعه‌ای از این برخوردهاست. این کتاب شامل اخباری برگرفته از منابع مختلف است که، بر اساس این فرضیه که این خبرها می‌توانند به اندازهٔ مطالعهٔ چند سطر شعر یا فلسفه ارزشمند باشند، عامدانه گسترده‌تر از آنچه خالقانشان در نظر داشته‌اند تجزیه و تحلیل شده‌اند.

تعریف اخبار را عامدانه مبهم باقی گذاشته‌ام. سازمان‌های خبری، با وجود تفاوت‌های بارز، آن‌قدر از شباهت برخوردارند که بتوان آن‌ها را ذیل مقوله‌ای عام گرد آورد، مقوله‌ای که قلمروهای سنتی اخبار — رادیو، تلویزیون، اینترنت و چاپ — و مکاتب متضاد راست و چپ، یا سطح بالا و عامه‌پسند را یک‌کاسه می‌کند.

این کتاب بُعدی آرمانشهری نیز دارد. در این کتاب نه فقط از چیستی فعلی اخبار سؤال شده، بلکه تلاش شده تا خواننده را وادار به تجسم وضعیت آن در آینده سازد. رؤیای یک سازمان خبری آرمانی به معنای بی‌اعتنایی به واقعیات اقتصادی و اجتماعی فعلی رسانه‌ها نیست. چنین رؤیایی از تمایل به گریز از فرضیات بدبینانه‌ای سرچشمه می‌گیرد که شاید به سادگی در مقابلشان تسلیم شده‌ایم.

۶

جوامع مدرن هنوز در ابتدای راه این شناخت‌اند که به چه اخباری نیاز دارند تا شکوفا شوند. گردآوری اخبار در بخش اعظم تاریخ چنان سخت و انتقالش چنان پرهزینه بوده که ناگزیر تأثیرات آن بر زندگی ما محدود بوده است. ولی امروزه در جهان تقریباً هیچ جایی نیست که برای فرار از اخبار بتوان به آن پناه برد. در همان اولین ساعات روز که از خوابی آشفته بیدار می‌شویم اخبار منتظر ماست، در هواپیما و در مسیر بین دو قاره هم دنبال ماست، و منتظر است تا وقتی فرزندانمان در خواب‌اند ما را به خود مشغول سازد.

جار و جنجال اخبار به اعماق وجودمان نفوذ کرده است. چه موفقیت بزرگی است یک لحظه آرامش در دنیای امروز و چه معجزه کوچکی است توانایی به خواب رفتن یا حرف زدن با دوستی بدون این که چیزی در آن وقفه ایجاد کند — و چه خویشنداری پارسایانه‌ای لازم است برای روی گرداندن از مهلکه اخبار و روزی را گوش سپردن تنها به صدای باران و افکار خود.

احتمالاً برای رهایی از بلایی که اخبار به سرمان می‌آورد به کمک نیاز داریم: رهایی از این همه کین و وحشت، هیجان و سرخوردگی، و رهایی از همه خیرهایی که در اختیارمان گذاشته می‌شود و ما گاهی فکر می‌کنیم کاش اصلاً چیزی در موردشان نمی‌دانستیم.

از این روست که در این کتاب راهنمای کوچک، در جهت مصلحت همه ما و به اختصار، به پیچیدگی‌های عادت‌ی پرداخته شده که ظاهراً بیش از حد عادی و بی‌ضرر به نظر می‌رسد.

بخش دوم
سیاست

کسالت و سردرگمی

دیرکرد پرداخت اجاره در برنامه آزمایشی کمک به اسکان به طرز سرسام‌آوری افزایش یافت.

تغییر قانون سقط جنین با شکست روبه‌رو شد.

تلاش‌های مشترک برای برقراری توازن مجدد در اقتصاد.

دادگاه حقوق بشر اروپا در آستانه صدور حکم درباره مهاجرت.

هزینه‌های شورا «فاقد شفافیت است».

هیئت‌های بررسی شروط قانون حمل سلاح را دایمی کردند.

گروه ضد مالیات پیش‌تاز حزب محافظه‌کار است.

شکایت به دادگاه عالی به دلیل انتصابات صورت‌گرفته در دوران تعطیلی مجلس.

مردی اهل سیدنی به آدم‌خواری و زنا با محارم متهم شد.

صبح زود است و در حالی که هنوز در تختخوابیم به سراغ اخبار می‌رویم. وقت دوش گرفتن است و مثل همیشه شتاب‌زده سر کار حاضر شدن، ولی هنوز چند دقیقه برای خواندن سرخط اخبار وقت هست.

متأسفانه امروز هیچ خبر جذابی به چشم نمی‌خورد. اولین عنوان کمی عجیب است — «افزایش سرسام‌آور دیرکرد پرداخت اجاره مستأجران در برنامه آزمایشی کمک به اسکان» — به امید این‌که ادامه مطلب جذاب‌تر باشد رویش کلیک می‌کنیم:

ارقام نشان می‌دهند دیرکرد پرداخت اجاره در میان مستأجران برنامه آزمایشی دولت که کمک‌هزینه مسکن را مستقیماً به دریافت‌کنندگان پرداخت می‌کند افزایش چشمگیری داشته است. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد یکی از مناطق در صورت به‌کارگیری این سیستم برای همه مستأجران ۱۴ میلیون پوند ضرر خواهد کرد. پرداخت کمک‌هزینه مسکن به طور مستقیم به دریافت‌کنندگان به جای صاحبخانه‌ها، بخشی مهم از برنامه اعتبار عمومی جدید را تشکیل می‌دهد. به گفته بخش کار و مستمری، این طرح آزمایشی باعث ایجاد اطمینان از کارایی این برنامه در سراسر کشور شده است.

چنگی به دل نمی‌زند. تصمیم دولت برای تغییر روش پرداخت یارانه مسکن به کم‌درآمدترین اقشار کاملاً درخور توجه است؛ یک سازمان خبری مقید به اصول اخلاقی زمان و پول صرف کرده تا جزئیات برنامه را به اطلاع عموم برساند. با این حال، خبرچندان جالب توجهی نیست. این رفتاری غیرعادی نیست. معمولاً به تیتراهایی برمی‌خوریم که با وجود اهمیت بارزشان درگیرمان نمی‌کنند. دو احساس شایعی که ماجراهای سیاسی «جدی» ارائه‌شده از سوی سازمان‌های خبری جوامع دموکرات مدرن به دنبال دارند کسالت و سردرگمی‌اند، که از آن‌جا که روزشان مایه خجالت است اغلب پنهانشان می‌کنیم.

ولی در انتهای فهرست عناوین خبری داستان آدم‌خوار زناکاری در استرالیا نقل شده که بی‌درنگ توجه ما را به خود جلب می‌کند. شاید ما که داریم سرخط اخبار را می‌خوانیم جزو شهروندان واقعاً سطحی و غیرمسئول هستیم.

۲

ولی پیش از آن‌که خودمان را به باد سرزنش بگیریم، تصور کنید در شرایطی مشابه عنوانی با مضمون «مردی در روسیه با وکیل مشورت می‌کند» نشانمان دهند که زیر آن این ماجرا آمده باشد:

سه زن: یکی پیر، یکی جوان و یکی همسر یک تاجر؛ و سه مرد متشخص: یکی بانکداری آلمانی با حلقه‌ای در انگشتش، دیگری تاجری ریشو، و سومی مأموری غضبناک با اونیفرم و مدالی که بر سینه آویخته، ظاهراً مدتی طولانی منتظر مانده‌اند. دو دفتردار پشت میزهایشان نشسته‌اند و می‌نویسند، و صدای قلمشان به گوش می‌رسد. نوشت‌افزار روی میز (امری که کارنین در آن صاحب‌نظر است) آن‌قدر مرغوب است که او نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. یکی از دفترداران بدون این‌که از روی صندلی‌اش بلند شود، چشمانش را جمع می‌کند و با حالتی عبوس کارنین را نگاه می‌کند.

«چه می‌خواهید؟»

«می‌خواهم وکیلی را در زمینه تجارت ببینم.»

تصور کنید داستان در این جا ناگهان متوقف شود، و از ما انتظار داشته باشند با شور و شوق هرچه بیشتر انتظار بکشیم تا بقیه داستان را بخوانیم، هرچند روشن نیست این «بیشتر» دانستن کی اتفاق می‌افتد و شاید چند هفته طول بکشد تا چند خط دیگر از این داستان کسالت‌بار در اختیارمان قرار گیرد.

باورکردنی نیست که بتوان از این طریق علاقه واقعی به رمان آنا کارنینا^۱ را در کسی ایجاد کرد، ولی غوطه‌ور ساختن خوانندگان به طور اتفاقی در لحظه کوتاهی از یک رمان بلند، و بعد به سرعت خارج ساختنشان از آن، بدون آن‌که توضیحی درباره بافت کلی داستان ارائه شود، دقیقاً همان اتفاقی است که در گزارش مهم‌ترین وقایع جامعه، اعم از انتخابات، مذاکره درباره بودجه، طرحی در سیاست خارجی یا تغییری در سیستم کمک‌هزینه دولتی رخ می‌دهد. تعجبی ندارد که در این روند احساس کسالت می‌کنیم.

۳

ما فاصله مناسب را رعایت نکرده‌ایم. از تشبیه دیگری در زمینه هنر استفاده می‌کنم. تصور کنید از ما بخواهند چشمانمان را یکی دو میلیمتر بالاتر از سطح طرحی خام با رنگ‌های آبی و بنفش و نقطه‌های پراکنده سیاه با لبه‌های سفید باز کنیم. از چنین موضعی شاید تصور کنیم چشم‌اندازی از سیاره مشتری، سطح یک زخم، یا ردپاهای فسیل شده موجودی متعلق به دوران ماقبل تاریخ در مقابلمان قرار دارد — که هیچ‌یک از جذابیت خاصی برخوردار نیستند. ولی شاید در واقع بخشی از یکی از جذاب‌ترین پرتره‌های هنری دنیای غرب در مقابلمان قرار داشته باشد، پرتره جرولامو بارباریجو^۲ اثر تیسین^۳، البته در فاصله‌ای نامناسب — چون این اثر شاهکاری است که بیننده باید برای تماشای آن حداقل یک متر از آن فاصله داشته باشد تا جذابیتش را درک کند.

۴

احساس کسالت معضلی جدید است که مسئولیتی جدید به همراه

1. *Anna Karenina*

2. *Portrait of Gerolamo Barbarigo*

۳ Titian: نقاش بزرگ ایتالیایی (۱۴۷۷-۱۵۷۶). — م.

می‌آورد. در بخش اعظم تاریخ بشریت، اخباری وجود نداشت که باعث کسالت شود. همه اطلاعات در اختیار طبقه حاکم کوچک و رازداری متشکل از اشراف قرار داشت و اخبار فقط به گوش تعداد اندکی می‌رسید: شاه، صدراعظم، فرمانده ارتش و اعضای ارشد شرکت‌های تجاری.

امروزه اخبار در اختیار همه قرار دارد، و با این حال چرخ‌های کنجکاویمان اغلب در معرض خطر در جا چرخیدن در گل ولای اطلاعات هستند. مثل این است که هر روز قبل از صبحانه کارمند دولت بدخلق و مضطربی با یک کیف‌دستی پر از اطلاعات درباره مسائل گویج‌کننده و در نهایت امر کسالت‌بار شتاب‌زده به دیدنمان بیاید: «طبق پیش‌بینی‌ها پنج بیمارستان تا آخر ماه از محدوده‌های اعتباری‌شان تخطی خواهند کرد»، «بانک مرکزی نگران تأمین بودجه برای اوراق قرضه است»، «یک کشتی جنگی چینی خاک آن کشور را به قصد ویتنام ترک کرد»، «نخست‌وزیر کانادا فردا برای شام این‌جا خواهد بود».

قرار است چه چیزهایی دستگیرمان شود؟ همه این‌ها در کجای ذهنمان قرار می‌گیرند؟



چه کسی به این تصویر اهمیت می‌دهد؟



تیسین، پرتره جرولامو بارباریجو، حدود سال ۱۵۱۰م.

۵

سازمان‌های خبری از تصدیق این امر طفره می‌روند که مطالبی که هرروزه به ما ارائه می‌کنند چکیده روایت‌های بلندی‌اند که شکل و منطق واقعی‌شان عموماً از پس دورنمای چندماهه یا چندساله آنها پدیدار می‌شود — و به همین علت شاید عاقلانه‌تر باشد که داستان‌ها را به جای ارائه در قالب جملاتی از هم گسیخته، فصل به فصل در اختیارمان قرار دهند. این سازمان‌ها به‌ناچار و طبق عادت اخبار را به شکل لحظه‌ای و جانبدارانه به مخاطب ارائه می‌کنند و مخاطب هم دیگر در انتظار گزارشی مطمئن و جامع نمی‌ماند.

با توجه به خطر سردرگمی که محصول این روند است، بیش از همیشه به نشانه‌های راهنمای صحیح نیاز داریم. اگر جمله «مردی در روسیه با وکیل مشورت می‌کند» قطعه‌ای از یک رمان — حتی رمانی به

قدرت آنا کارنينا — باشد، آن رمان کسالت بار به نظر می رسد. ولی اگر به ما بگویند که آنچه می خوانیم قطعه ای کوچک و ملال آور از کتاب هزارصفحه ای خارق العاده ای است که در آن به ابعاد غمبار ازدواج، به خصوص تنش میان تمایل به ماجراجویی از یک سو و الزامات زندگی خانوادگی و تبعیت از اجتماع از سوی دیگر، پرداخته شده، شاید با هیجان بیشتری منتظر بخش بعدی بمانیم.

سازمان های خبری باید با دادن پیام هایی درباره بستر کلی تر داستان هایشان علاقه و کنجکاوی بیشتری در خواننده ایجاد کنند. علاقه نشان دادن به هر اطلاعاتی مستلزم جا افتادن آن در بخشی از ذهنمان است، یعنی این که بتوانیم به طریقی آن را با مسئله ای که قبلاً برایمان اهمیت داشته مرتبط سازیم. بخشی از مغز انسان شبیه کتابخانه ای است که اطلاعات در آن تحت مقوله های کلی و مختلف طبقه بندی می شوند. اطلاعاتی که روزانه دریافت می کنیم با علامت هایی ساده نشان می دهند که باید در کدام بخش طبقه بندی و بلافاصله و ناخودآگاه ثبت شوند: اخبار مربوط به روابط عاشقانه در طبقه حجیمی ثبت می شود که به نحوه عملکرد روابط عاطفی اختصاص داده شده است، ماجرای اخراج ناگهانی فلان مدیرعامل در طبقه شناخت کار و جایگاه اجتماعی قرار می گیرد که دائماً در حال رشد و تحول است.

ولی داستان ها هرچه کوچک تر و ناآشنا تر باشند، روند طبقه بندی آنها نیز دشوارتر است. چیزی که در محاوره آن را «کسالت بار» می خوانیم صرفاً مسئله ای ذهنی و نوعی واکنش برای محافظت از خود است که ذهن بر اساس آن اطلاعاتی را که در طبقه بندی شان درمی ماند بیرون می ریزد. مثلاً شاید ذهنمان نمی داند باید با خبر مربوط به گروهی از مسئولان چینی که برای مذاکره درباره امنیت مرزی استان بدخشان به افغانستان رفته اند یا فعالیت گروه مشاوران جناح چپ برای کاهش

مالیات صنعت داروسازی چه کند. ما برای انتقال این قطعات خبری تک‌مانده به مقولاتی نیاز داریم که بتوانند به بهترین نحو منطق این قبیل خبرها را برملا سازند.

بخشی از این طبقه‌بندی بر عهده سازمان‌های خبری است. آن‌ها باید تیتراهای بزرگ‌تری را در اخبار خود مطرح سازند که تیتراهای کوچک‌تر را در بر بگیرند. خبر مربوط به خرابکاری در شنبه‌شبی در یک شهرستان («گروهی از جوانان خرابکار در ایستگاه اتوبوس شعارهای مستهجن نوشتند») شاید با قرار گرفتن ذیل قضیه مهم‌تری تحت عنوان «مشکلات جوامع سکولار لیبرال برای القای رفتارهای اخلاقی بدون کمک گرفتن از دین» روشن‌تر شود. همچنین خبر غیرقابل درک فساد دولت در جمهوری دموکراتیک کنگو («متهم شدن دولت جمهوری دموکراتیک کنگو به رشوه‌گیری») شاید با خبری در توضیح موضوعی زیربنایی‌تر قابل درک‌تر به نظر برسد: «تعارض مفهوم غربی دولت و مفهوم آفریقایی قبيله».

حتی خبر ناخوشایند تغییرات سیستم کمک‌هزینه دولتی مسکن هم با نشانه‌های راهنمای صحیح قابل درک‌تر می‌شود. در واقع خبر «دیرکرد پرداخت اجاره در برنامه آزمایشی کمک به اسکان به طرز سرسام‌آوری افزایش یافت» همان‌قدر به مضمون تیترا خود مرتبط است که کتاب آنا کارنینا به مردی در روسیه که به دنبال مشاوره با وکیل است. خبر دیرکرد پرداخت اجاره‌ها در واقع با تحقیقات دولت مدرن در مورد بهترین روش کمک به فقیرترین اعضای جامعه در ارتباط است؛ نکته‌ای که حدود صد سال است مطرح شده این است که آیا دولت‌های رفاه از دریافت‌کنندگان خدمات حمایت می‌کنند و به آن‌ها شأن و ارزش می‌بخشند، یا با ترویج وابستگی آن‌ها به خدمات دولتی موجبات حقارتشان را فراهم می‌آورند. این خبر صرفاً بخش کوتاهی از

داستانی چندفصلی است که می‌توان یکی از عناوین زیر را برای آن در نظر گرفت: «یارانه چطور شخصیت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد»، «روانشناسی کمک‌های مالی»، یا با طنینی رساتر و مبهم‌تر: «مسئولیت در برابر فقر».

۶

بسیاری از سازمان‌های خبری به این تعصب دچارند که می‌پندارند مهم‌ترین عامل اعتبارشان ارائه بی‌طرفانه و خنثای «واقعیات» است، که این امر البته متأسفانه موجب کاهش توجه خواننده به خبر می‌شود. مثلاً، شعار شبکه خبری سی‌ان‌ان «ارائه واقعیات به مردم» است، روزنامه ان‌آرسی هندلزبلات^۱ در هلند توانایی خود را برای «ارائه واقعیات، نه عقاید» جار می‌زند، و شبکه خبری بی‌بی‌سی خود را «موثق‌ترین منبع واقعیات» در دنیا معرفی می‌کند.

مشکل واقعیت این‌جاست که نمونه‌های آن در دنیای امروز به‌وفور یافت می‌شود. مسئله این نیست که ما به واقعیات بیشتری نیاز داریم، بلکه مسئله این است که نمی‌دانیم با واقعیاتی که در اختیار داریم چه باید بکنیم. هر روز سیلی از اخبار به سویمان سرازیر می‌شود: باخبر می‌شویم که سازمان اس‌اندپی^۲ در حال تجدیدنظر در نرخ‌گذاری میزان اعتبار مردم است، خبردار می‌شویم که لایحه بودجه دولت تمدید شده، که لایحه مناطق رأی‌گیری به مجلس ارائه شده است، و نقشه‌های خط لوله گاز طبیعی در دست تهیه‌اند. ولی همه این‌ها چه معنایی دارند؟ چطور می‌توان به مسائل اصلی زندگی سیاسی ربطشان داد؟ این‌ها کمک می‌کنند از چه مسائلی سردر بیاوریم؟

نقطه مقابل واقعیت، جانبداری است. جانبداری در پایگاه‌های

1. NRC Handelsblad

2. Standard and Poor's Financial Services (S & P)

خبری مطرح واژه‌ای بدنام است، واژه‌ای مترادف با غرض‌ورزی، دروغ و تلاش‌های مقامات ذی‌صلاح برای محروم ساختن مخاطبان‌شان از آزادی تفکر.

ولی در عین حال شاید بهتر باشد در مورد جانبداری بلندنظری بیشتری به خرج دهیم. جانبداری در معنای واقعی کلمه صرفاً نشان‌دهنده روش ارزیابی رخدادهاست، روشی که تحت تأثیر نظریات منسجم زیربنایی فرد درباره کارکرد و شکوفایی انسان‌هاست. جانبداری لنزی است که روی واقعیت قرار می‌گیرد و هدفش وضوح بیشتر واقعیت است. جانبداری می‌کوشد معنای رخدادها را شرح دهد و جدولی از ارزش‌ها ارائه کند که از طریق آن بتوان درباره عقاید و رخدادها قضاوت کرد. گریز از جانبداری‌های شخصی دشوار است؛ بهتر آن است که راه‌هایی بیابیم برای کشف نمونه‌های قابل اطمینان و سودمند جانبداری. گرچه انواع مختلفی از عقاید ناهنجار جناح‌های راست و چپ دریافت ما از جانبداری را تعیین می‌کنند، در نهایت می‌توان گفت که به تعداد دیدگاه‌های انسان‌ها درباره زندگی جانبداری وجود دارد. لنزهای ارزشمند بی‌شماری وجود دارند که بین ما و دنیا قرار می‌گیرند. مثلاً می‌توان اخبار را بر اساس دیدگاه‌های متمایز والت ویتمن یا جین آستین، چارلز دیکنز یا بودا تفسیر کرد. اخباری را در نظر بگیرید که با جانبداری متأثر از اصول روانکاوی به موضوع گناه و حسادت در هر دو جبهه متخاصم اعراب و اسرائیل می‌پردازد، چنین اخباری مستعد پذیرش ایده فرافکنی در مناظره‌های سیاسی است، و به شدت تردید وجود دارد که مثلاً علت «رکودی» که دامنگیر کشور شده انقباض یک‌درصدی اقتصاد یا علت رونق زندگی مردم، انبساط ۱/۳ درصدی آن بوده است.

آنچه در سازمان‌های خبری درخور ستایش است صرفاً توانایی گردآوری واقعیات نیست، بلکه مهارت نشان دادن روابط آن واقعیات

با یکدیگر است — امری که محصول جانبداری هوشمندانه است.

۷

محور سیاست مدرن اعتقاد زیبا و باشکوه به سهیم بودن هر شهروند — در حدی ناچیز ولی مهم — در اداره کشور خویش است. و اخبار نقشی محوری در تحقق این وعده دارد، چون کانالی است که از طریق آن با رهبران ملاقات می‌کنیم، کفایتشان را برای رهبری کشور ارزیابی و موضعمان را دربارهٔ معضلات اقتصادی و اجتماعی روز تعیین می‌کنیم. سازمان‌های خبری تشکیلات فرعی جوامع دموکراسی به شمار نمی‌روند، بلکه ضامن دموکراسی‌اند.

و با وجود این، اخبار در شکل فعلی‌اش به طرز غم‌انگیزی در مورد منسجم‌سازی، تلخیص و تصدی‌گری کم‌کاری می‌کند. دستورکار اخبار چنان متغیر است که از لحاظ سیاسی قادر به موضع‌گیری نیستیم. چنان سررشتهٔ کار را از دست می‌دهیم که نمی‌دانیم کدام‌یک از ظلم و تعدی‌های بی‌شمار و متداول در دنیای امروز بیش از همه برایمان اهمیت دارد و همین چند ساعت قبل کدام‌یک را چنان با شور و حرارت مورد توجه قرار داده بودیم. درست در زمانی که جوامع ما دچار پیچیدگی‌های بی‌سابقه شده‌اند بی‌صبرانه توقع داریم مهم‌ترین مسائل در اختصاری‌ترین شکل به ما ارائه شوند. مواجهه با سیل مشکلاتی که اخبار به آن‌ها می‌پردازد قدرت تشخیص را از ما گرفته است. رویارویی با اخبار، به جای ایجاد امکانی برای موضع‌گیری سیاسی، باعث ایجاد حسِ هیچ بودن در جهانی اصلاح‌ناپذیر و از اساس پرآشوب شده است.

۸

هگل در استدلال خود در این مورد که امروزه خبر همان جایگاهی را

در جوامع اشغال کرده که زمانی دین اشغال کرده بود تفاوت مهمی را بین این دو حوزه شناختی نادیده گرفته است: ادیان از قدیم در مورد ناتوانی انسان در تمرکز بر مسائل حساسیت ویژه داشته‌اند. ادیان هم دقیقاً مانند اخبار مسائل مهمی را در مورد زندگی روزمره در اختیارمان قرار می‌دهند. ولی ادیان، برخلاف اخبار، می‌دانند اگر یکباره و یکجا اطلاعات زیادی را در اختیارمان قرار دهند نه چیزی در خاطرمان می‌ماند و نه کاری انجام می‌دهیم.

از این رو هر روز حجم کمی را در اختیارمان قرار می‌دهند و صبورانه مسائل اندکی را مطرح می‌کنند و سپس بارها و بارها به آن‌ها بازمی‌گردند. تکرار و تمرین از کلیدهای روش‌های تعلیمی ادیان بزرگ‌اند. آن‌ها می‌دانند بی‌فایده است اگر بخواهند با شتاب و هیجان مردم را از مسئله‌ای مهم خبردار سازند. ادیان ما را در مکانی پرابهت قرار می‌دهند، ذهنمان را آرام می‌کنند، و سپس با آگاهی از این‌که اگر تعالیشان در نحوه تفکر و رفتارمان نفوذ کرده باشد، در چند روز یا چند هفته آینده به آن‌ها باز خواهیم گشت، به جای ایجاد وحشت و هیجان، با قاطعیتی موقرانه ما را مخاطب قرار می‌دهند.

۹

به‌سادگی می‌توان سانسور فعالانه اخبار را دشمن واقعی سیاست دموکراتیک فرض کرد و آزادی بیان یا چاپ هر مطلبی را پشتیبان تمدن دانست.

ولی دنیای امروز به ما آموخته است که راه‌هایی بسیار موذیانه‌تر و بدبینانه‌تر از سانسور هم برای تهی کردن مردم از اراده سیاسی وجود دارد؛ راه‌هایی مانند سردرگم کردن، کسل کردن و پرت کردن حواس اکثر مردم از طریق ارائه خبرها به نحوی بی‌نظم، متفرق و متناوب، به